

# عشق سیال

در باب ناپایداری پیوندهای انسانی

زیگمونت باومن

ترجمه عرفان ثابتی



## فهرست

- پیشگفتار ..... ۹
۱. عاشق شدن و از عشق فارغ شدن ..... ۱۹
۲. زیر و بم جعبه‌ابزار اجتماعی بودن ..... ۷۳
۳. در باب دشواری عشق ورزیدن به همسایه ..... ۱۲۵
۴. نابودی مودت ..... ۱۸۱
- یادداشت‌ها ..... ۲۳۳

## عاشق شدن و از عشق فارغ شدن

«دوست عزیزم، اثر کوچکی را برایت می‌فرستم که بی‌انصافی نیست اگر کسی بگوید بی‌سر و ته است، زیرا همه چیز آن به طور معکوس و متقابلی هم سراسر است و هم ته. خواهش می‌کنم ببین چنین ترکیبی چه آسایش شگفت‌انگیزی برای همه فراهم می‌کند - برای تو، برای من، برای خواننده. ما می‌توانیم کار خود را نیمه‌کاره رها کنیم - من خلاقیت‌های هنری‌ام را، تو متن را، خواننده قرائتش را؛ زیرا من میل فرساینده هیچ یک از آن‌ها به پیرنگی زائد را تا بی‌نهایت دنبال نمی‌کنم. یک صفحه را بیرون بیاور، آن وقت می‌بینی که دو تکه آن فانتزی پیچیده بدون هیچ مشکلی به یکدیگر خواهند آمد. قطعات زیادی را جدا کن، آن وقت خواهی دید که هر یک می‌تواند به تنهایی وجود داشته باشد. به امید این که از بعضی کش و قوس‌ها خوشت بیاید و آن‌ها تو را سرگرم کنند، جسارت می‌ورزم و کل این مار خوش خط و خال را به تو تقدیم می‌کنم.»

شارل بودلر<sup>۱</sup> خشم پاریس<sup>۲</sup> را این‌گونه به خوانندگانش معرفی کرد. حیف که او چنین کرد. اگر این کار را نکرده بود، مایل بودم خودم همین مقدمه یا مقدمه مشابهی را بر کتاب حاضر بنویسم. ولی او چنین کرد - و من فقط می‌توانم از او

۱. Charles Baudelaire: شاعر و منتقد فرانسوی (۱۸۲۱-۱۸۶۷). - م.

2. *Le spleen de Paris*

نقل قول کنم. مسلماً والتر بنیامین 'کلمه' «فقط» را از جمله آخر حذف می‌کرد. و من هم در صورت تأمل چنین می‌کردم.

«قطعات زیادی را جدا کن، آن وقت خواهی دید که هر یک می‌تواند به تنهایی وجود داشته باشد.» قطعاتی که از نامه بود لر می‌تراوید چنین بود؛ قضاوت در باره این که آیا قطعه‌فکرهای جمع‌آوری شده در کتاب حاضر نیز چنین خواهد بود نه بر عهده من که بر عهده خواننده است.

در خانواده اندیشه‌ها کوتوله‌ها فراوانند. به همین دلیل است که منطق و روش را ابداع کردند، منطق و روشی که پس از کشف به گرمی مورد استقبال متفکران اندیشه‌ها قرار گرفت. کوتوله‌ها ممکن است پنهان شوند، و سرانجام در بحبوحه شکوه و جلال صفوف پیاده‌رو و آرایش‌های نظامی، ضعف و عجز خود را فراموش کنند. در صفوف فشرده چه کسی به کوچک بودن سربازان پی خواهد برد؟ شما می‌توانید با به صف کردن ردیف‌های انبوهی از کوتوله‌های جنگجو، ارتش ظاهراً قدرتمند و وحشتناکی ایجاد کنید...

شاید، ولو فقط برای جلب رضایت معتادان روش‌شناسی، می‌بایست با این قطعات جداگانه همین کار را می‌کردم. ولی چون وقت کافی برای به پایان رساندن چنین کاری ندارم، احمقانه می‌بود که اول به تنظیم صفوف فکر کنم و بعد سربازان را به خدمت فرا بخوانم...

پس از تأمل دقیق‌تر می‌توان گفت شاید به دلیل پیروی نیست که تصور می‌کنم وقت بسیار کمی دارم، بلکه دلیل این امر آن است که هر چه پیرتر باشید بهتر می‌دانید که اندیشه‌ها هر قدر هم بزرگ به نظر برسند، هرگز آن قدر بزرگ نخواهند بود که گستردگی بسیار تجربه انسانی را دربر گیرند، چه رسد به این که محکم به آن بچسبند.

ما در باره عشق یا طرد، تنها یا با هم بودن و با هم یا در تنهایی مردن